

مروری بر دیدگاه‌های مطرح شده در چهارمین
همایش کنکاش‌های نظری و مفهومی درباره
جامعه ایران

درهم‌تنیدگی همبستگی و تضاد اجتماعی

مسعود تویسرکانی

اشاره

چهارمین همایش کنکاش‌های مفهومی و نظری درباره جامعه ایران به همت «انجمن جامعه‌شناسی ایران» در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران برگزار شد. موضوع محوری چهارمین همایش کنکاش‌های مفهومی و نظری درباره جامعه ایران «توسعه جامعه ایران و مسئله همبستگی و تضاد اجتماعی» بود و جامعه‌شناسان برجسته ایران هر یک طی مقاله و گفتاری به بحث و بررسی این موضوع از زوایای مختلف پرداختند. اهم دیدگاه‌های مطرح شده در این نشست در ادامه از نظران می‌گذرد.

حسین سراج‌زاده، رئیس انجمن جامعه‌شناسی ایران: «ما باور داریم علوم اجتماعی نظریه‌ها و مفاهیمی دارند که به‌عنوان یک علم می‌توان از آن‌ها استفاده کرد. این در حالی است که علوم اجتماعی به دلیل تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی و تاریخی هر جامعه نیازمند تأمل و اندیشه‌ورزی‌های ویژه مربوط به همان جامعه است. علوم اجتماعی بالغی نخواهیم داشت، مگر به مرحله‌ای برسیم که بتوانیم با اعتمادبه‌نفس و بهره‌مندی از دستاوردهای جهانی، مفاهیم و نظریه‌های جامعه را تبیین کنیم.»

سیدمهدی اعتمادی‌فرد، رئیس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران: «اگر جامعه‌شناسی در ایران دستخوش نقد و نادیده انگاشته شدن می‌شود، بخشی از آن به خودمان برمی‌گردد. به این دلیل که ما اهتمام جدی به این قبیل جلسات و اشتراکات برای بررسی مسائل جامعه ایران در پرتو نظریه‌های علمی نداشته‌ایم.»

محمدجواد زاهدی‌مازندرانی، دبیر علمی همایش: «این همایش به ضرورت مفهوم‌سازی و نظریه‌پردازی درباره جامعه ایران و البته تشریح وضعیت نظریه‌سازی در ایران و نقد آن توجه ویژه‌ای دارد. امیدوارم این همایش بتواند در تحقق هدف مزبور مؤثر باشد.»

باقر ساروخانی، استاد دانشگاه تهران: «به عقیده من ما باید از سیطره کمیت‌گرایی و آمارزدگی بیرون بیاییم و اندیشه‌ها را غنیمت بشماریم. جای تأسف دارد که ما سخن دانشمندان ایرانی و جامعه‌شناس خودمان را قبول نمی‌کنیم، اما اگر در آن سر عالم فردی سخنی را مطرح کند، آن را بی‌چون و چرا قبول می‌کنیم. به همین خاطر است





به اعتقاد من در جامعه ایرانی، این نهاد خانواده است که با هویت ایرانی گره خورده و با تأمل در آن به فهم جامعه ایران و تحولات بزرگ‌تر آن پی خواهیم برد. جامعه‌شناسی ایران چاره‌ای ندارد جز اینکه در تاریخ نهاد خانواده جست‌وجو کند

که در کمال تأسف امروز ملاحظه می‌کنیم، بیش از ۹۰ درصد مفاهیم رساله‌های ما خارجی‌اند و در آن‌ها کمتر از نظریه‌های داخلی استفاده می‌شود. بنابراین، ضروری است که بتوانیم در تولید نظریات و مفاهیم و مصرف داده‌ها در کشور تلاش کنیم».

فرهاد خسروخاور، مدرس عالی مطالعات اجتماعی پاریس: «در حال حاضر مسئله بحران جامعه مدنی در اغلب جوامع دیده می‌شود و اینترنت هم نتوانسته است به حال این بحران کمک کند و جایگزین جامعه مدنی سنتی شود. پدیده مهاجرت موضوع جدیدی است که در حال حاضر کشورهای متعددی درگیر آن هستند. مهاجرت جوامع را با آسیب‌های متعددی روبه‌رو می‌کند که هنوز جامعه بین‌المللی نتوانسته آن‌ها را حل کند. این اتفاق که غالباً به خاطر تلاش فقرا برای رسیدن به جوامع غنی صورت می‌گیرد، باعث می‌شود یک جامعه، چندفرهنگی و دچار بحران هویت شود».

علی ربیعی، جامعه‌شناس و سخنگوی دولت: «اگر بخواهیم ببینیم چه نسبتی بین جامعه علمی و مسائل جاری جامعه وجود دارد، شاید کنش و رفتار **قانعی راد** بتواند یک الگوی رفتاری باشد. مگر ما می‌توانیم با فقر مردم بیگانه باشیم؟ مگر می‌توانیم با حال بد مردم بیگانه باشیم؟ به‌خصوص جامعه‌شناسی، مگر می‌تواند بی‌اعتنا باشد؟ ما نمی‌توانیم بیگانه باشیم و این بیگانه نبودن این نیست که فقط بیان کنیم. باید بایستیم و کمک کنیم به اینکه حال مردم خوب شود».

تقی آزادارمکی، جامعه‌شناس: «در تاریخ‌اندیشه، جامعه‌شناسی در جهان از طریق تأمل در عرصه اقتصاد پیش رفته است و از آنجا که مردم تحولات اقتصادی را خوب می‌شناسند، امکان فهم جامعه بزرگ‌تر ارائه می‌شود. به اعتقاد من در جامعه ایرانی، این نهاد خانواده است که با هویت ایرانی گره خورده و با تأمل در آن به فهم جامعه ایران و تحولات بزرگ‌تر آن پی خواهیم برد. جامعه‌شناسی ایران چاره‌ای ندارد جز اینکه در تاریخ نهاد خانواده جست‌وجو کند. به لحاظ اینکه خانواده در همه امور، برای مثال در اقتصاد، دین و فرهنگ مؤثر است، فهمی تاریخی از مسئله خانواده ما را به فهم

جامعه ایران و تحولات آن نائل می‌کند».

دکتر محمدسعید ذکایی، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی: «با اقبال روزافزون رسانه‌های نو به گفتمان‌های علمی و دانشگاهی و نیز توجه روزافزون دانشگاهیان به اینکه رسانه‌های دیجیتال را به کار گیرند، شبکه‌های اجتماعی چرخشی آرام به سوی مشاهیر دانشگاهی پیدا کرده‌اند و این مشاهیر به کارگیری گونه‌های جدید رسانه‌ای را اولییتی برای ارتقای آگاهی‌های عمومی و انجام مسئولیت‌ها و تعهدات اجتماعی خویش می‌یابند. علاقه‌مند کردن توده مردم به دستاوردهای علمی علوم اجتماعی و دمکراتیک ساختن آن، از جمله دیگر دستاوردهای این رویکرد جدید محسوب می‌شود. اما مشارکت‌های دیجیتال دانشگاهی نگرانی‌هایی را هم از بابت تنزل دانش علمی و عامه‌پسند ساختن آن، انتخاب دستور کارهایی کمتر جدی و عمیق، کلیشه‌سازی‌های آکادمیک و تضعیف استدلال علمی را به دنبال داشته است».

محمدباقر تاج‌الدین، امید اجتماعی از جمله مهم‌ترین و زیربنایی‌ترین پایه‌های شکل‌گیری پویایی اجتماعی در هر جامعه محسوب می‌شود. تحلیل جامعه‌شناختی موضوع امید اجتماعی و بررسی نسبت آن با دین شادمانه، از جمله ضرورت‌هایی است که به‌ویژه برای جامعه دینی ایران، کاملاً احساس می‌شود. واقعیت این است که هم موضوع امید اجتماعی و هم موضوع دین شادمانه (در برابر دین غمگانه) تاکنون در جامعه‌شناسی دین، نه تنها در کشور ایران، بلکه حتی در جهان آن گونه که شایسته و بایسته است، واکاوی نشده است.

امید اجتماعی در تعریفی موجز، به معنای معرفت و آگاهی نست به جایگاه فرد در جامعه و تصویر فرد از خود و ارتباط عامل انسانی با کلیت نظام اجتماعی است. بر این اساس، امید اجتماعی بیش از آنکه یک درک احساسی از وضعیت موجود باشد، نوعی آگاهی و معرفت نسبت به جامعه و ارتباط متقابل فرد و نظام اجتماعی است. به تعبیر **جانا تان ترنو**، پویایی‌های عاطفی در ساختار اجتماعی و فرهنگ حک شده‌اند. از این منظر اگر بخواهیم امید اجتماعی را در نسبت با دین شادمانه تحلیل کنیم، می‌توان گفت دین شادمانه نیز مانند امید اجتماعی در ساختار اجتماعی و فرهنگی هر جامعه‌ای حک شده است. به گونه‌ای که دین اولیه و ارتدکس، نه تنها چندان غمگینی و ناراحتی را تبلیغ نکرده، بلکه شادمانی را بیشتر مدنظر قرار داده است. امید اجتماعی، بیشتر محصول دین و دین‌داری شادمانه بوده و هرگونه اقدام و تأکید بر دین و دین‌داری غمگانه می‌تواند موجب سلب امید اجتماعی از جامعه شود.

مقصود فراس‌تخواه، استاد جامعه‌شناسی: «حوزه علوم انسانی در ایران لاغر است. میزان زیادی از آموزش عالی کشور به رشته‌های علوم انسانی و دانشجویان و هیئت علمی آن اختصاص پیدا کرده است، اما وزن نظریه‌سازی و نظریه‌پردازی در این حوزه رضایت‌بخش نیست. به همین نسبت جامعه‌شناسی دینی ما گسترش پیدا نکرده است. در نتیجه صرفاً مصرف‌کننده سنتی جامعه‌شناسی جهانی دین هستیم و هیچ‌گاه نتوانسته‌ایم از ظرفیت‌های اکتشافی این علم در میدان و امر دینی ایران استفاده

امید اجتماعی از جمله مهم‌ترین و زیربنایی‌ترین پایه‌های شکل‌گیری پویایی اجتماعی در هر جامعه‌ای محسوب می‌شود. تحلیل جامعه‌شناختی موضوع امید اجتماعی و پرداختن نسبت آن با دین، از جمله ضرورت‌هایی است که به‌ویژه برای جامعه دینی ایران، کاملاً احساس می‌شود

کنیم. اگر این امکان وجود داشت، مبادلات تازه و جهش‌های خلاقانه‌ای صورت می‌گرفت که به ما کمک‌های فراوان و در خور توجهی می‌کرد. خلاصه بحث من این است نتوانسته‌ایم از این رهگذر از ظرفیت‌های علمی برای حل مسائلمان بهره‌برداری کنیم. **حسین محدثی**، استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی: «بعد از ۲۴ سال کار دانشگاهی جامعه‌شناسی به این نتیجه رسیده‌ام که برای مطالعه امر دین در ایران جامعه‌شناسی دین کفایت نمی‌کند. نتیجه‌گیری و تجربیات من حاکی از این است که ما در جامعه‌شناسی دین نیازمند یک نگاه و مطالعه جدید هستیم. جامعه‌شناسی نمی‌تواند صرفاً از بیرون به امر دین نظر کند و باید نگاه درون دینی نیز به دین داشته باشد. از این‌رو در جهت یافتن رویکرد جدیدتر و کامل‌تر در جامعه‌شناسی دین بررسی کردم که آیا متفکران غربی به موضوع مدنظر من پیش‌تر اشاره کرده‌اند یا نه. در بررسی‌های خود متوجه شدم که بله. اصطلاح **جامعه خداشناسی** را برخی از جامعه‌شناسان غربی پیش‌تر استفاده کرده‌اند. این رویکرد از اشاره به لزوم فهم هم‌زمان نگاه درون دینی و الهیاتی، و نگاه بیرونی و جامعه‌شناسی حکایت دارد. جامعه خداشناسی رویکردی است که می‌کوشد مفهوم دین را هم درون نظام الهیاتی و هم در بیرون و ساختارها بررسی کند».

محمد توکل، جامعه‌شناس: «محروریت کار جامعه‌شناس در خصوص مفهوم همبسته بودن و جمع بودن مجموعه انسان‌هاست. جامعه‌شناس غیر از اینکه آسیب‌ها را می‌بیند، باید با کار تخصصی در عین حال به هشدارها هم برسد و به سیاست‌گذاران و مجریان کمک کند تا مسیر جامعه را اصلاح کنند. **عالیه شکر بیگی**، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی: «مهارت گفت‌وگو در جامعه ما هنوز عمومیت پیدا نکرده است. خانواده مهم‌ترین بنیادی است که افراد در آن رشد می‌کنند، اما متأسفانه وضعیت گفت‌وگو در خانواده‌های ما مطلوب نیست. فقدان گفت‌وگو در بین زوجین عامل تشدید طلاق و از هم گسستگی خانوادگی است. این روند باعث تزلزل در بنیاد خانواده و ایجاد فضای ناآرام و استرس‌زا می‌شود و ما باید به حل این معضل کمک کنیم».

حمیدرضا جلالی‌پور، استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه تهران: «یکی از وظایف جامعه‌شناسی تحلیل کلان از وضع جامعه است. یکی از عنوان‌هایی که درباره جامعه ایران گفته می‌شود، مفهوم فروپاشی اجتماعی است که من مخالف این ادعا هستم. اعتقاد دارم که از این واژه نباید استفاده شود. کسانی که این ادعا را مطرح می‌کنند دو دلیل برای گفته‌های خود دارند: نخست اینکه نهاد‌های خانواده، فرهنگ، اقتصاد و ... در جامعه به درستی عمل نمی‌کنند

و دیگر آنکه رابطه مردم با نهادهای کشور وضعیت نامطلوبی دارد. براساس نظر سنجی سال گذشته، ۷۸ درصد از مردم اعلام کردند که به نهادهای عمومی اعتماد ندارند و نسبت به آن‌ها امیدوار نیستند. این موضوع نشان می‌دهد جامعه در وضعیت نگران‌کننده‌ای قرار دارد. بنابراین باید از واژه آشفتگی استفاده کنیم. اگر بخواهیم جامعه ایران را براساس شاخص‌های اجتماعی و سیاسی کشورهای دنیا طبقه‌بندی کنیم، وضعیت ما متوسط است. چرا که جایگاه ما در حوزه‌های آموزش، بهداشت و امید به زندگی مطلوب است. سیل ۹۸ بزرگ‌ترین سیل در ایران بود که ۱۰ استان کشور را در بر گرفت. تحقیقات نشان می‌دهند، ۶۳ درصد مردم ایران در شرایط رکود و تعطیلات نوروز به این مصیبت واکنش نشان دادند که این میزان از مشارکت بالاتر از متوسط جهانی است. اگر جامعه فروپاشیده باشد، چنین عکس‌العملی نشان نمی‌دهد. برخی پیش‌بینی می‌کردند بعد از سیل‌های اخیر جامعه ایران از بین برود، اما خلاف این ادعا اتفاق افتاد و مردم و دولت را به هم نزدیک‌تر کرد».

سید محمود نجاتی حسینی، دین‌داری اجتماعی و امر اجتماعی که دینی شده، مثل اجتماعات دینی و پدیده‌های اجتماعی دینی، هم‌زمان مستعد زمینه‌سازی تضاد اجتماعی و وفاق اجتماعی هستند. در سنت‌های جامعه‌شناسی دینی، سنت **مارکس** بر مبنای تضاد بنا گذاشته شده است و دین را سرچشمه و خاستگاه تضاد می‌داند. سنت اجتماعی **دورکیم** بر وفاق متکی است. **وبر** مستقیم نمی‌گوید که دین عامل وحدت است یا تضاد، اما از تضاد دنیا و آخرت صحبت می‌کند و به امور دینی ارجعاتی دارد. **زیمل** اما دین‌داری را عامل پویایی جامعه می‌داند که می‌تواند جامعه را بسازد. همچنین در خود متون دینی هم می‌توان رگه‌هایی از تضاد و وفاق را دید. ادیان ابراهیمی با تضاد خیلی سروکار دارند و پیرامون جنگ و نبرد با کفار صحبت می‌کنند. در ادیان آسیایی، هر چند رویایی و تضاد را کمتر می‌بینیم و در تئوری، بیشتر این ادیان دنبال آشتی با دنیا و دیگری هستند، اما در واقعیت پیروان همین ادیان هم خشونت را پی می‌گیرند. رفتار امروز یک ارتش بودایی با مسلمانان رو‌هینگی‌نا نمونه‌ای از این موضوع است. در پیمایش‌هایی مربوط به سال‌های ۲۰۱۷ به بعد، در سطوح مختلف ملی و جهانی نیز اختلافات دینی از نظر اغلب مردم عامل تضاد معرفی شده‌اند. راه‌حل این مسئله چیست؟

ایده‌های **هابرماس** در الهیات فلسفه اجتماعی، در پاسخ به پرسش می‌تواند کمک کند. هابرماس به درستی واقف است که مدرنیته راه را برای خشونت دینی باز کرده و راه اصلی برای برون‌رفت از آن، آشتی دادن دین و مدرنیته است. او بازگرداندن دین‌داران به صحنه‌های اجتماعی و عمومی مدرن را راه درست می‌داند و تأکید می‌کند، علم و دانش دینی باید با هم کنار بیایند. یعنی الهیات مدرن حتی باید به سمت باور دینی برود. در این راستا، بی‌طرفی دولت و قانون در مواجهه با گروه‌های اجتماعی، رعایت قانونی «اصل تسامح و مدار» توسط دولت و گروه‌های دین‌دار و غیردینی، و مشارکت هر دو در امور راه، زمینه‌ساز برون‌رفت از خشونت علیه دین و خشونت برای دین می‌داند.